

چهارشنبه ۱۷ جولای ۲۰۱۹

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت بیست و چهارم

از این زندگانی و این دار فانی
از آن عقل و آگاهی و پاک جانی
واز آن دُر فشانی و شَرین زبانی
همه لطف بود و همه مهربانی
گلی بود در بوستان معانی
بود سخت بی او به من زندگانی
به فصل بهارو، بهار جوانی
گرفتی تو در کوی حق آشنایی
غمی است جانگاہ اما نهانی

دریغا دریغا از این زندگانی
دریغا از آن نونہال برومند
دریغا از آن روی و آن خلق نیکو
سرا پا وقار و کمال و شرافت
به نور ولایت دلی داشت روشن
مرا مجتبی روح و نور بصر بود
برفت از برم سوی گلزار جنت
بماندم من و فتنه و رنج دوران
غم هجرت ای نور چشم رشیدم



انکشاف زیر بنا ها و از هم پاشیدن تدریجی دهات در زمان سلطنت
مصاحبان

با وجود عدم موجودیت ریفرم های سیاسی مهم؛ سلطنت اعلیحضرت نادرشاه و برادرانش نشان دهنده انکشافات اقتصادی - اجتماعی چشم گیر و واضح بوده، که ارتباط می گیرد مشخصاً به توسعه، رشد و ارزیابی که توسط مشاوران خارجی در زمینه سر مایه گذاری و تجارت انجام داده شد. عزم و آرزو با عملی نمودن این پروژه های وسیع نو سازی اقتصادی و اجتماعی، ایجاد یک هویت ملی بود.

لاکن عامل ای که عملی نمودن این پروژه های وسیع نو سازی اقتصادی و اجتماعی را ناکام ساخت، از بین رفتن ارزش های دنیای دهات و قصبات، که ارتباط به ظهور یک طبقه یا کتگوری نو، تعلیم یافتگان داشت.

حدود سیاسی و اجتماعی در ساختن ساحة ملی:

زیادترین پروگرام های نو سازی زیر بنا های کشور در بخش یا سکتور تعلیم و تربیه اختصاص داده شده بود.

انکشاف یک زیر بنای نو تعلیمی مدرن به حیث نتیجه سبب خلق نمودن یک طبقه نو، ممتاز و مرفع در اجتماع گردید. به درجه اول طبقه مرفع که از حاصل تعلیم و تربیه دولتی در سال 1950 میلادی پدیدار شد، روشنفکران و نظامیان می باشند. این تحول در این مرتبه منشأ یک خط جدید جدایی به صورت افقی گردید، که این طبقه را در تقابل با مرکز قدرت سیاسی، که در بین خانواده شاهی و یک تعداد پیوند های شان جمع نموده بود، قرار داد.

عملی ساختن پروگرام های تحصیلاتی کشور، به این اندازه پیشرفته و مترقی بدون خلق نمودن مشکلات تازه نمی باشد. بدرجه اول دلالت به تشدید و افزایش خط جدایی که قبلاً اشاره شد بین طبقه مدرن شهری و طبقه سنتی دهات و قصبات می گردد.

از سال 1940 میلادی تعلیمات عامه شامل شش سال دروس ابتدایی، سه سال متوسطه و سه سال لیسه.

تا زمان درگیری و جنگ علیه شوروی در سال 1979 میلادی، دروس ابتدایی در شهر ها در مکاتب و در دهات در مساجد تدریس می گردید. در مساجد شاگردان دسترسی به تدریس معمولی مانند خواندن، نوشتن، حساب و دینیات داشتند.

بعد از خلق نمودن مکاتب مدرن، تعلیمات مذهبی در دهات و قصبات به سویه ابتدایی و ثانوی خیلی ها بارز گردید.

مستقر شدن این خط جدایی بین دنیای شهری و دنیای دهاتی نمایندگی از یک مشکل لاینحل جهت الحاق هویت ملی توسط تمام مردم می باشد.

سیاست نو سازی قسمی که قبلاً ملاحظه نمودیم به جهت ساختن یک هویت ملی روی دست گرفته شد.

قبلاً در زمان سلطنت امیر عبدالرحمن خان یک بیرق مظهر ملت بودن را تمثیل می کرد. در زمان جانشین وی امیر حبیب الله خان سرود ملی پدیدار گردید.

فکر ملت بودن یک مفهوم برخواسته از قانون عثمانی ها می باشد، که ریفرنس خود را از وسیع بودن جامعه مذهبی گرفته بدون آن که جامعه معتقدین را تعیین نماید.

در سال های 1930 میلادی با به سلطنت رسیدن یک دودمان نو، مفکوره هویت ملی پدیدار گردید و این مفکوره اتکاء می کند بالای تاریخ چند هزار ساله که همانا افغانستان هندو آریین (- Indo Aryen) می باشد.

حفریات باستان شناسی توسط هیئت های مختلف باستان شناسان این برنامه هویتی را که از یک گذشته خیلی ها دور نمایندگی می کند تقویه بخشید، از طرف دیگر چیزی را که روشنفکران به آن مفهوم فولکلور (عادات و رسوم) می دهند که بر خواسته از دنیای اطراف می باشد در حقیقت نشانه یا گواهی از جوهر یا ماهیت ایست که هویت دولت - ملت را مشخص می سازد.

چنانچه در بین بازی های مناطق شمال کشور، به طور مثال در بین ازبک ها بزکشی به حیث سپورت ملی و رقص آیینی خاص پشتون ها (آتن) یک رقص ملی شمرده می شود.

هدف از عزم ساختن هویت ملی که عبارت از دولت - ملت می باشد گردآوری تمام ملت است، که با ایجاد مقاومت از طرف روشنفکران فارسی زبان مواجه گردید.

به صورت قطعی پروسس یا جریان انکشاف اجتماعی و نهاد ها، نشان دهنده حدود چشمگیر برای عملی نمودن یک دولت - ملت است.

ادامه دارد